

بهار خند

خنک ترین آدم‌های دنیا

کجه آرش محمودی

عمه خانم وقتی می‌خواست لباس‌های شوهر عمه را توی ماشین لباس شویی بندازد متوجه بسته‌ای مشکوک شد که چیزهایی شبیه سیگار داخلش بود اما سیگار نبود. بسته را با سو کرد و نعره زنان به سمت اتاق پذیرایی حمله ور شد. شوهر عمه تا آن یورش برقی آسرا دید دست به کار شد و به تقلید از خنک‌ترین آدم دنیا، عکس یک ست کامل از لباس زیرهای خودش را در اینستاگرام به اشتراک گذاشت و صفحه موبایلش را رو به عمه خانم گرفت و گفت: ببین اقدس اینسا می‌خوان من رو خراب کن! عمه خانم گفت: من کاری با اون عکس ندارم، بگو این پاکت چیه؟ شوهر عمه با رندی گفت: اونم قسمتی از اون پاپوشه... عمه گفت: مثل آدمیزاد راستشو می‌گی یا شش بندازمست تو انباری؟ شوهر عمه که انباری بزرگترین کاپوشش بود، با حیل و حقه گفت: راستش اون یه مواد مخدر جدیده اما مال من نیست مال باقره. دیشب تو مهمونی می‌خواست بره دستشویی یه لحظه دادش به من که نگاهش دارم بعدش رفت پیشش بگیره همین... عمه گفت: خوب الان معلوم میشه! گوشه تلفن را برداشته و شماره باقر را گرفت بعد تلفن را روی پخش گذاشت. باقر که گوشه را برداشته عمه گفت: شما دیشب چیزی رو جانداشتین؟ باقر که داشت از آن سیگارهای مخصوص می‌کشید با دهن پر بود گفت: نه! شوهر عمه گفت: باقر جان تو یه بسته از اون سیگار جدیدها رو پیش من جانداشتی؟! باقر که فهمید شوهر عمه گند زده گفت: آها بله رییس اون البته مال من نبود برای کریم بود! بعد برای اینکه حواس عمه را پرت کند گفت: اقدس خانم یه نفر صفحه رییس رو هک کرده و عکس لباس زیرهاش و به اشتراک گذاشته. شما به جای بررسی اون پاکت مشکوک بهتره به فکر بیاتنه در جهت آرامش افکار عمومی باشید...

عمه خانم وسط حرف‌های باقر گوشه را قطع کرد و شماره کریم را گرفت. کریم که در همین فاصله که تاه به واسطه پیامک‌های شوهر عمه از قضیه مطلع شده بود گفت: اقدس خانم شنیدید یکنفر جاهل مزدور عکس لباس‌های شوهرتون رو تو فضای مجازی پخش کرده؟ عمه خانم گفت: کریم مثل آدمیزاد بگو جریان این پاکت چیه؟ کریم گفت: پاکت مال ما نبود که، ما غلام بود. اون از این چیزا میکشسه... عمه خانم به غلام زنگ زد. غلام گفت پاکت برای شخصی بنام سپامک است که مسئول پخش این مواد جدید در شهر است. عمه خانم به سپامک زنگ زد. سپامک گفت که فقط یک توزیع کننده خرده پاست و محموله اصلی را شخصی بنام صنعت خواه وارد می‌کند. به صنعت خواه زنگ زدند. او گفت که فقط یک دلال است و از بالادستی‌های گردن کلفتش دستور می‌گیرد. به یکی از گردن کلفت‌های ترانزیت مواد به داخل کشور زنگ زدند او گفت همه نشان برای یکنفر کار می‌کنند که رییس صدایش می‌زنند. عمه خانم به رییس زنگ زد و در کمال ناباوری گوشه شوهر عمه زنگ خورد... شوهر عمه بسا اعتماد به نفس تمام گوشه را برداشت و گفت: اقدس خانم من که گنتم همه‌اش پاپوشه!...

کافه زندگی

در برابر آینده

کجه مهرداد عزتی

بخش یازدهم
مثل هر شب، فردا شب هم صدای دعوی زن و شوهر امان فاطمه را می‌برد. کلافه از توی اتاق خوابش به حال می‌رود. جیغ و گریه زن، فریادهای مرد، و گریه‌های بی‌وقفه کودک‌ش. می‌رود توی دستشویی و در را می‌بندد و گوش‌هاش را می‌بندد به این امید که صدا کمتر شود. گذشته نسبتاً نزدیک سه ماه قبل که فاطمه به این خانه کوچ کرد، تصور جایی آرام و بی‌سروصدا را داشت. روزهای اول را با آرامش تسبیح کرد تا اینکه چند هفته بعد اولین جرقه‌های دعوی همسایه واحد بغلی را شنید. پیش از آن شب همسایه بغلی را ندیده بود و نمی‌دانست که هستند. چند شب بعد دوباره صدایشان بلند شد و برای اولین بار فاطمه صدای گریه بچه را شنید. فقط او هفته کافی بود توی دعوی گله‌های آن زوج تبدیل به مناسب‌گر شد. از ساعت ده شروع شده و تقریباً سی‌ساعت طول می‌کشید. صداهای آزاردهنده‌ای که ملغمه‌ای بود از جیغ و فریاد و گریه و حتی زرد خورد. فاطمه حتی دو سه بار جرئت کرد و پشت در واحدشان رفت و گوش ایستاد. نمی‌فهمید دعوی‌ها شیه سر چیست. گاهی در واحد خود را با صدای بلند باز و بسته می‌کرد، تا بلکه پشتونند و دست بردارند اما هیچ اتفاقی رخ نمی‌داد. گو اینکه گوش‌هاشان را گرفته، چشم‌هاشان را بسته و شعورشان را به کناری گذاشته بودند و هر چه به دهان‌شان می‌آمد به هم می‌گفتند.

آینده خیلی نزدیک فاطمه دوباره توی پذیرایی قدم می‌زند. مطمئن نیست که کار درست کدام است. به پلیس زنگ بزند یا به خودشان تذکر بدهد تا دست بردارند. از هر دو کار می‌ترسد. در واحدش را باز می‌کند و توی راهرو می‌رود. صدای گریه بچه معصوم‌شان فاطمه را آزار می‌کند و نسبت به خود این احساس را دارد، در واقع می‌توان گفت سرخوردگی در نتیجه افکار پوچ و بی‌بهره ایجاد می‌شود که این افکار نیز در اثر نتیجه نامطلوب و منفی است که فرد بعد از انجام کار و تلاشی که کرده است به‌دست می‌آورد که در نهایت نتیجه دلخواه و مطلوب نیست که این شکست‌ها و نتایج منفی و تجربه‌های ناخوشایند تبدیل به افکار منفی می‌شوند و احساس سرخوردگی در فرد ایجاد می‌کند و زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و همچنین باعث می‌شود فرد دیگر انگیزه‌های برای انجام کارهای مهم و تصمیمات و آرزوهای جدید نداشته باشد. برای رهایی از روزمرگی سعی کنیم کارهای را انجام دهیم مثل: تصمیم بیهوده تغییر خودتان و زندگی‌تان بگیرید؛ اگر می‌خواهید از روزمرگی رها شوید سعی کنید عادت‌های بد خود را کنار بگذارید و در مقابل عادت‌های خوب خود را تقویت کنید و به سمت تغییرات مثبت و نور حرکت کنید و کمتر نگران و مضطرب انجام‌دهان کارها و نتایج آنها باشید و ایمان داشته باشید که همه چیز در نهایت خوب پیش خواهد رفت و شما موفق خواهید شد و با ایمان به توانایی‌ها و رسیدن به موفقیت قدم بردارید و شاد زندگی کنید.

چادرهای طوفان زده

طرح امروز



طرح: بنیامین آل علی

فضای مجازی

تعطیلاتی به ضرر بخش خصوصی

کجه مهدی حاج محمود عطار

این مطلب را خوانندگان محترم به هیچ وجه به شدت با مهربانیت و شاعران آن مرتبط نکنند که نویسنده فارغ از این گونه موارد و انتقادات در جهت نهادینه شدن درست فرهنگ انتظار در زمان غیبت امام عصر عجل‌ال تعالی فرجه‌الشریف نوشته است. در زمانه‌ای که بیش از پیش کشور به رونق اقتصادی و آن هم نه اقتصاد دولتی احتیاج دارد، و این حاصل نمی‌شود مگر با حمایت از بخش تولید و اقتصاد خصوصی که بارها در مورد آن نوشته‌ایم و نوشته‌اند، آن هم درست در کشوری که هنوز به خاطر عدم تطبیقات تعطیلی‌ها در حوزه بین‌الملل سال‌هاست دارد ضربه می‌خورد، تعطیل کردن یک روز دیگر در کشور یقیناً طبقات گسترده مالی را نیز به بخش خصوصی تحمیل می‌نماید. این را باید عاملی دقیقاً در جهت تضعیف بخش خصوصی قلمداد نمود. اقدام که نمایندگان محترم به واسطه پاسداشت مقام ولایت امری ایشان روزی را تعطیل اعلام و آن را قانونی قلمداد می‌کنند و کارگران شاسفل در بخش خصوصی را به هزینه‌هایی از جیب کارفرما مهمان، خود جای سؤال مضاعف را بر ایمان ندانی می‌کنند. ایران کشوری است که اتفاقاً تعطیلات رسمی آن کم است (مقایسه کنید با بسیاری از کشورهای دیگر). تعطیلات آخر هفته آنها ۲ روز است و اتفاقاً همین مسئله در آینده و به مرور زمان بر زندگی شما تأثیر منفی می‌گذارد و شما را از زندگی عقب می‌اندازد و باعث می‌شود شما تنها کارهای تکراری که قبلاً انجام داده‌اید و نتیجه مثبت گرفته‌اید را انجام دهید و دچار روزمرگی شوید.

با کتاب

نقد و بررسی رمان «سایه‌های سکوت» به سوی قنلی ناخواسته

ماجراهای فرعی داستان پیچیدگی موضوعی نداشته می‌تواند انتخاب نسبتاً مناسبی برای توصیف حالات ذهنی شخصیت باشد. در این نظر گاه نویسنده به راحتی و در قالب کلمات می‌تواند واگویی‌های درونی و اغتشاشات روحی خود را بیان کرده و مخاطب را درگیر کند. در مقایسه با نظر گاه دانای کل که محدودیتی در تعاریف شخصیت‌ها و فضا سازی‌ها و ماجراهای داستان ندارد، انتخاب بهتری است. مخصوصاً اگر ماجراهای فرعی داستان نیز در کنار ماجرای اصلی قرار گرفته و به موازات آن پیش برود تا حدی دارای پیچیدگی باشد انتخاب راوی دانای کل از این منظر مناسبتر است که در این مورد نویسنده به خوبی این شاخصه را رعایت کرده است. زیرا قهرمان اصلی دچار اختلالات روحی و روانی بوده که با این نظر گاه در روایت خود را به خوبی بیان می‌کند. از طرفی انتخاب نظر گاه اول شخص از این جهت که محدودیتی در ابزار کلام و معرفی شخصیت قهرمان ندارد ممکن است نویسنده را به استفاده بیش از حد کلمات ساد و دزد و از خلق فضا و تصویر سازی‌های فرعی می‌بازد که خود می‌تواند به کل اثر لطمه وارد کند که این اتفاق در جاهایی در داستان رخ داده و مانع خلق رویدادهای تازه شده است. خط سیر داستان مستقیم بدون پیچیدگی‌های اضافی بوده، در طول زمان حرکت کرده و جلو می‌رود. قهرمان داستان در طول نگارش خود به گذشته خود و اتفاقات رخ داده در آن زمان مرتباً بازگشت کرده و خواننده را به تدریج با وقایع از پیش رخ داده مطلع می‌کند. قهرمان کاملاً در زمان حال قرار دارد و

باجامعه

رهایی از روزمرگی

کجه مرصیه کریمی

انرژی، شادابی و روحیه خود را در درازمدت از دست بدهد و همچنین میل و اشتیاق به زندگی کردن نداشته باشد. روزمرگی را به عنوان نوعی بیماری نیز می‌نامند که این بیماری به مرگ احساسات معروف است زیرا در اثر روزمرگی ممکن است دیگر اتفاقات بزرگ و کوچک که بعضاً خوشحال کننده و خوشایند است برایتان بی‌معنی باشد و واکنش چندانی به آن اتفاق خوشایند هر چند کوچک نشان ندهید. افرادی که در زندگی به دنبال تغییر و تحول نیستند و همیشه زندگی و برنامه‌های تکراری دارند روی یک خط صاف و بدون تغییری زندگی می‌کنند ممکن است بیشتر از سایرین به روزمرگی دچار شوند. البته تحقیقات نیز نشان می‌دهند که یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار در روزمرگی احساس سرخوردگی است که فرد تجربه



دعوت از صاحبان قلم
روزنامه بهار همه صاحبان قلم را برای نوشتن در صفحه آخر دعوت می‌کند. پذیرای نوشته‌ها، مقالات، نقدیهاتان در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی هستیم.
info@bahardaily.ir

رویدادهای فرهنگی

کارگاه آشنایی با «داستان فانتزی»

شورای کتاب کودک سی و دومین دوره آشنایی با ادبیات کودک و نوجوان را برگزار می‌کند. کارگاه «داستان فانتزی» از سی و دومین دوره آشنایی با ادبیات کودک و نوجوان با حضور محمدهادی محمدی روز دوشنبه ۶ آذرماه ۱۳۹۶ از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ در کتابخانه تحقیقاتی شورای کتاب کودک برگزار می‌شود. نشانی: خیابان انقلاب، خیابان اوریحان، خیابان شهید وحید نظری، پلاک ۲۱، طبقه ۲، کتابخانه تحقیقاتی شورای کتاب کودک.

نقد کتاب «دانشگاهی که بود...»

کتاب «دانشگاهی که بود...» نقد و بررسی می‌شود. کتاب «دانشگاهی که بود...» تجربه زیسته ناصر فکوهی، با حضور نویسنده کتاب و عباس کاظمی روز سه شنبه ۷ آذر ۱۳۹۶ ساعت ۱۵ تا ۱۷ در سرای اهل قلم نقد و بررسی می‌شود. نشانی: خیابان انقلاب، خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه خواجه نصیر، پلاک ۲.

مسابقه طراحی و کاریکاتور «آینده نشر کاغذی»

در ادامه فراخوان مسابقه طراحی و کاریکاتور «آینده نشر کاغذی» که انتشارات قنقوس اعلام کرده بود، مراسم داوری این مسابقه سه شنبه ۷ آذر ماه ساعت ۱۰ صبح با حضور داوران و اساتید را برگزار می‌شود. حضور برای خبرنگاری‌ها و اصحاب رسانه آزاد است. زمان برگزاری مراسم اختتامیه متعاقباً اعلام می‌شود. نشانی: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری غربی، پلاک ۱۰۷، سالن اجتماعات نشر قنقوس.

تصویر روز

پارک علمی تخیلی / چین



عکس: فرارو

نشر آفرینندگان
اشعار، خاطرات، زندگی نامه و پایان نامه شمارا برای همیشه ماندگار نموده و به کتاب تبدیل می‌کنیم
۰۲۱-۶۶۵۷۵۸۸۱